**جلسه چهارم**

اولین بحث که به ان میپردازیم بررسی تفصیلی مخاطب شناسی و نوجوان شناسی است.

اولین ویژگی:۱.انتقال از کودکی

مثلا وقتی یک سری رفتار هارو انجام میدهد میگویند ت دیگه بزرگ شدی

ولی نسبت به بعضی دیگر از افعال میگویند:برای تو هنوز زود است

یک وضعیت برزخی دارد و هنوز به تعادل نرسیده و خودش را پیدانکرده است.

میلر نیوتون در کتاب نوجوانی:این انتقال از کودکی ۶تا ویژگی دارد:که ظهور و بروز میکند و او در این مسیر قرار دارد

۱.رشد ونمو سازمان عصبی مغز

۲.رشد فیزیکی اندام

۳.رشد نظام جنسی

۴.رشد احساس خود به عنوان انسان مستقل

۵.کسب موقیت بزرگسالی در گروه های اجتماعی

۶.رشد کنترل رفتاری خود در تعاما با جامعه(حس میکند بیشتر مورد توجه قرار دارد)

نوجوان در مقطع نه نوجوان است و نه کودک،شتر مرغی است که نه سواری میدهد و نه تخم میگذارد و خودش هم با خودش درگیر است.

فایده این ویژگی:

پیام و استخراج پیام:چه پیامی را به او بگوییم؟

باید برای نوجوان پیرامون سن تکلیف و پذیرفتن تکلیف سخن بگوییم.

واجب و حرام برای او مطرح است،راجب تقلید و مرجع تقلید و یادگیری احکام باید برای او صحبت کنیم.

رایت حیث انانی.....من به عنوان یک پدر به ذهنم رسید برای تربیت تو کاری کنم و دیدم الان تو که جوان هستی و روحت پاک است و وقت تعلیم و ادبت است شروع به تعلیم کتاب خدا و بیان شرایع اسلام بپردازم.

لزوم بیان مسائل مربوط به تکلیف و احکام

ولی بسته بندی و راهبرد مهم است،دریچه میل چیست؟

او دوست دارد بزرگ حسابش کنند یا بچگانه؟دوست دارد این بزرگ شدن به چشم دیگران بیاید.لذا باید روی بزرگ شدن مانور بدهیم.

معمول نوجوان ها با بازی های رایانه ای آشنا هستند،باید با ادبیات و فصای خودش مطرح کنی مثلا با کالاف مطرح کنی،مرحله به مرحله سخت تر میشود ولی شیرین تر هم میشود،بعد میگویی دقیقا در سن شما هم همین طور است،دنیا فضایی است برای بازی و باید حواست باشد وه تکلیف ات بیشتر میشود ولی امکانات تو هم بیشتر میشود،

باید شارژ بشوی،وگرنه game over میشوی،باید نماز بخوانی

الان با این بسته بندی میفهمد خدا هم اورا بزرگ حساب کرده و باید نشان بدهی که بزرگ شده ای،

سومین چیز خط قرمز است:خط قرمز بچه فرض کردن او است،مثلا مثل بچه دبستانی با او صحبت کنی،باید مراقب فراکلام هم  باشی

ویژگی دوم:

غرور و مساله افرینی است،یک غروری دارد که دوست ندارد شکسته بشود و میخواهد مستقل بشود،و میخواهد مسائل را خودش حل کند ولی چون توانایی ندارد مساله افرینی میکند.

غالبا نوجوان ها یک وابستگی برای حل مشکلات دارند ولی غرور اجازه کمک گرفتن را نمیدهد و در مسایل میمانند.

دین چه میگوید؟بحث مشورت را میگوید،شما باید پیام مشورت پذیر بودن را به او منتقل کنی،ولی او ابتداء پذیرش ندارد لذا باید ان را بسته بندی کنیم طبق دریچه میل.

او به احترام و کرامت نفس علاقه دارد،مثلا میگویی؛مشورت برای ادم های بزرگ است و انسان های عاقل کودک است که مشورت نمیگیرد،مشورت میگیریم که از عقل و تجربه دیگران استفاده کنیم،هرادم با شعور وذی عقل مشورت میکند،در واقع مشورت را با چنین بسته بندی به او ارائه کردیم.

کافیه افراد اطرافش را نیز به او معرفی کنید مانند خودتان پدربزرگ،پدر ومادر،

کسی که مشورت نمیکند باید بارها تجربه کند وشکست بخورد‌.

خط قرمز:تحقیر و کوچک شماری است.

مثال:بچه ای که پدرش خیلی او را قبول دارد،نمیخواهد این اعتماد را از دست بدهد،لذا احترام اطرافیان و کرامت نفس برای آنان خیلی مهم است.